

فرهنگ فارسی

ویراست دوم

شامل بیش از یکصد هزار واژه و اعلام

غلامحسین صدری افشار

نسرین حکمی

نیتون حکمی



فرهنگ معاصر

تهران ۱۳۹۶

فهرست نویسی پیش از انتشار

- سرشناسه: صدری افشار، غلامحسین، ۱۳۱۳ -
عنوان و نام پدیدآور: فرهنگ فارسی / غلامحسین صدری افشار، نسرین حکمی، نسترن حکمی.
مشخصات نشر: تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری: ۱۹۳۰ ص: ۱۷/۵ × ۲۵ س م.
وضعیت فهرست نویسی: فیا
موضوع: فارسی - واژه نامه ها
شناسه افزوده: حکمی، نسرین، ۱۳۲۸ -
شناسه افزوده: حکمی، نسترن، ۱۳۳۰ -
رده بندی کنگره: ۱۳۹۱ ۳۳ ف ۴ ص / PIR ۲۹۵۴
رده بندی دیویی: ۴ فا ۳
شماره کتابشناسی ملی: ۲۸۹۵۶۲۸

فهرست

هفت	پیشگفتار
یازده	راهنمای استفاده از فرهنگ
چهارده	نشانه‌های به‌کار رفته در فرهنگ و نشانه‌های آوایی
پانزده	راهنمای صرف فعل‌های ماضی
۱ - ۱۷۸۷	فرهنگ فارسی
۱۷۸۹ - ۱۷۹۲	افزوده‌ها
	پیوست‌ها
۱۷۹۵	نشانه‌های نقطه‌گذاری
۱۷۹۵	حروف الفبای پهلوی - حروف الفبای یونانی
۱۷۹۶	نام ماه‌ها در تقویم‌های مختلف
۱۷۹۶	نشانه‌های نجوم
۱۷۹۷	نشانه‌های ریاضی
۱۷۹۷	پیشوند عددها
۱۷۹۸	نشانه‌های الکترونیک
۱۷۹۸	ثابت‌های بنیادی
۱۷۹۹	سرعت یادها
۱۷۹۹	واحدهای اندازه‌گیری زاویه - واحدهای اندازه‌گیری زمان
۱۷۹۹	واحدهای اندازه‌گیری دما - دماسنج فارنهایت - سانتی‌گراد
۱۷۹۹	روش تبدیل درجه فارنهایت به سانتی‌گراد
۱۸۰۰	جدول تناوبی عنصرها
۱۸۰۱ - ۱۸۰۲	عنصرهای شیمیایی
۱۸۰۲ - ۱۸۰۴	واحدهای دستگاه متری
۱۸۰۵	واحدهای انگلیسی و آمریکایی
۱۸۰۶	واحدهای سنتی ایران
۱۸۰۶	برابری واحدهای قدیم پول ایران
۱۸۰۷	تقویم زمین‌شناسی
۱۸۰۸	مشخصات سیاره‌های منظومه شمسی
۱۸۰۹	نسبت‌های خانوادگی
۱۸۱۰ - ۱۸۱۹	نقشه استان‌های ایران
۱۸۲۰ - ۱۸۷۶	نقشه کشورهای جهان
۱۸۷۹	نقشه ایران
۱۸۸۰	نقشه جهان
۱۸۸۱ - ۱۸۸۵	نقشه قاره‌ها
۱۸۸۶ - ۱۸۹۴	بدن انسان
۱۸۹۵ - ۱۹۰۵	کتابنامه

پیشگفتار

- تعلق به خلاقیت‌های فکری و فرهنگی

- معروفیت در ایران (به‌ویژه در اثرهای مکتوب)

اطلاعات جمعیتی ایران به‌طور کلی براساس سرشماری سال ۱۳۹۰ است و اطلاعات جمعیتی سایر کشورها با بهره‌گیری از اینترنت و مطابق سال ذکر شده در داخل پراتز آورده شده است.

تقسیمات کشوری، استان‌ها، شهرستان‌ها و شهرهای ایران براساس اطلاعات دفتر تقسیمات کشوری وزارت کشور و اطلاعات مربوط به سایر کشورها با بهره‌گیری از اینترنت به‌دست آمده است.

البته افراد زنده در اعلام آورده نشده‌اند. در عین حال، می‌پذیریم که این اعلام را می‌توان تا ده برابر حجم کنونی گسترش داد. اطلاعاتی که در اعلام داده شده، تنها برای سانسازدن کلی است تا خواننده در صورت علاقه بتواند اطلاعات اضافی را از مرجع‌های دیگر به‌دست آورد.

۲. ساختار

الف) ترتیب کلی

۱. مدخل‌ها در این فرهنگ براساس ترتیب الفبای فارسی تنظیم شده است و ترتیب قرار گرفتن مدخل‌ها شکل املائی آنهاست:

قادر پس از قاتلری و پیش از قاتری

سؤال پس از سواستویل و پیش از سؤال

سؤال پس از سؤال و پیش از سؤال پیچ

شامت پس از شامبولیون و پیش از شامخ

شنامت پس از شاییدن و پیش از شنون

شان پس از شان و پیش از شانفاز

شنون پس از شنامت و پیش از شنونات

سلسله‌الذهب پس از سلسله و پیش از سلسله‌جنبان

۲. اگر حرف‌های اول و دوم مدخل‌ها مشابه باشد، برحسب

فرهنگ فارسی ویراست تازه‌ای از فرهنگنامه فارسی وازگان و اعلام است که در سال ۱۳۸۸ در سه جلد منتشر شد. مؤلفان فرهنگ مناسب دانستند برای دسترسی آسان‌تر به اطلاعات موردنیاز با پیروی از فرهنگنامه‌های اروپایی و آمریکایی، واژه‌ها و اعلام را در یک جا به ترتیب الفبایی در اختیار کاربران قرار دهند.

این فرهنگ محصول ۳۳ سال مساعی مؤلفان آن در زمینه فرهنگ‌نویسی است. آن در این مدت کوشیده‌اند با مطالعه مرجع‌های گوناگون، مراجعه به اها، بهره‌گیری از نقد و نظرها و ویرایش‌های مکرر تا آنجا که می‌توانند حاصل کارشان را بهتر کنند و مرجع‌های کارآمدی را در اختیار کاربران زبان فارسی بگذارند.

۱. دامنه فرهنگ

فرهنگ فارسی شامل بیشتر واژه‌های مکتوب زبان فارسی است - هم فارسی ادبیات قدیم و هم زبان فارسی معیار امروز. بدیهی است که واژه‌های فنی و تخصصی، نیز واژه‌های گویش‌ها و اصطلاحات خاص گروه‌های ویژه را شامل نمی‌شود، مگر در حدی که همگان یا گروه بزرگی از مردم غیرمتخصص با آن سروکار دارند. اعلام نیز شامل کشورها، پایتخت‌ها، شهرهای مهم، همه استان‌ها و شهرهای ایران، اثرهای باستانی معروف، عارضه‌های طبیعی مهم (دریاها، کوه‌ها، رودها، دریاچه‌ها...)، نهادها، برخی رویدادها، جشن‌ها، اثرهای هنری، روزهای تاریخی، شاعران، نویسندگان، هنرمندان، دانشمندان، سرداران، رهبران سیاسی نام‌آور، اسطوره‌ها، دین‌ها، مکتب‌های فلسفی و هنری است. انتخاب آنها براین اساس بوده است:

- تعلق به زمان معاصر یا گذشته نزدیک

- تعلق به ایران به مفهوم تاریخی آن

- تعلق به سرزمین‌های همجوار

صوت حرف اول و به این ترتیب آمده‌اند: آ و الف (همزه)، فتحه، کسره، ضمه، سکون، واو مصوّت (u) و یای مصوّت (i)، یعنی یاس، یّاس، یا پست، پُست، پوست، پیست.

۳. ترتیب قرار گرفتن مدخل‌های مشابه براساس دستور زبان چنین است: ۱. اسم ۲. فعل ۳. صفت ۴. قید ۵. ضمیر ۶. حرف ۷. نام‌آوا ۸. دعا ۹. پیشوند یا پیشواژه ۱۰. میانوند ۱۱. پسوند یا پیواژه ۱۲. شبه‌جمله ۱۳. اعلام.

هر واژه در صورتی که متعلق به پیش از یک زبان یا مقوله دستور زبانی است، با عدد مشخص شده است؛ به همین ترتیب اعلام، مثلاً واژه‌های باز، واژی و فوت:

باز: ^۱/bāz/ اسم

باز: ^۲ اسم

باز: ^۳ اسم

باز: ^۴ صفت

باز: ^۵ قید

باز: ^۶ حرف

باز: ^۷ پیشواژه

باز: ^۸ پیواژه

باز: ^۹ نام رودخانه موند

واژی: ^۱/rāzi/ اسم. [مهور] بنایی

واژی: ^۲ صفت. مربوط یا منسوب به شهر ری ...

واژی: ^۳ بنگاه علمی، پژوهشی و تولیدی ایران ...

واژی: ^۴ ابوبکر محمّد ابن زکریا ...

واژی: ^۵ نام دو موزخ ایرانی ...

واژی: ^۶ نام دو شاعر ایرانی ...

فوت: ^۱/fut/ اسم. باد یا هوایی که ...

فوت: ^۲ اسم. واحد طول انگلیسی و ...

ب) شکل آوایی

۱. در انتخاب حروف آوایی از شیوه رایج آوانگاری پیروی شده است، که در آن پس از بهره‌گیری از کتاب‌های آقای دکتر یدالله ثمره، آقای دکتر علی‌محمد حق‌شناس و مشورت با صاحبزنان دیگر، بنا بر ضرورت تغییرهای اندکی داده‌ایم (نشانه‌های آوایی را در صفحه ۲ ببینید).

۲. اصل، تلفظ رایج در زبان فارسی است (مانند اداکن /od(o)kolon/، هیدروژن /hidrožen/).

۳. اگر بیش از یک نوع تلفظ وجود داشته، تلفظ‌ها با ویرگول

ب) نشانه‌های جمع

می‌دانیم که در زبان فارسی جانداران با «ها» و «ان» جمع بسته می‌شوند و چیزهای بی‌جان تنها با «ها». و استثناهای زیادی هم وجود دارد، که در این فرهنگ به آن اشاره شده است:

۱. برخی اندام‌های زوج (مانند چشمان، دستان، ...)

۲. مکان‌ها (مانند کوهساران، چمنزاران، ...)

۳. واژه‌های منتهی به حرف صدادر بلند (مانند زیبا یا گیسوان، ماهیان، ...)

از یکدیگر جدا شده است، که معمولاً تلفظ سمت چپ رایج‌ترین است: مه‌ریه /mahri(y)e, mehri(y)e/.

۴. در مورد چند واژه مشابه، تنها تلفظ واژه اولی داده شده است: با احساس ^۱/bā'ehsās/ صفت. و با احساس ^۲ قید.

۵. اگر بخشی از دو تلفظ واژه مرکب همانند بوده، با گذاشتن خط تیره، تنها تلفظ بخش متفاوت داده شده است: داستان‌سرا /-sorā, -dastānsarā/ ـیان /.

۶. اگر حرف آخر واژه‌ای دارای تشدید باشد، در فارسی تلفظ نمی‌شود، مگر در حالت اضافه یا ترکیب (مانند سل و سلّ ریه): سل /sel(e)/.

۷. آوانویسی گاه به این شکل است: گور(e) خار /gur(e)xar/ یا گوفت(e) مَن /goft(e)mān/؛ یعنی در گورخو، حرف ر هم با کسره و ه بی کسره ممکن است تلفظ شود و در گفتان هم، حرف ت همین حالت را دارد.

۸. باید توجه داشت که تلفظ بسیاری واژه‌ها با صورت املایی آنها فرقی دارد (مانند واژه‌های مرکب دارای ریشه عربی از قبیل: خط‌الواس /xattorra's/، واژه‌های فارسی دارای وا معدوله از قبیل: خویش /xiš/، یا واژه‌هایی که در آنها حرف نون ساکن پیش از یک حرف مصوّت قرار دارد، از قبیل پنجه /pambe, panbe/ و تنبان /tonbān, tombān/ و واژه‌هایی که در آنها حرف شین ساکن پیش از کاف آخر آمده است (مانند: اشک /ašk, ašg/ و مشک /mašk, mašg/).

۹. یکی دیگر از ویژگی‌های تلفظ فارسی پیروی هجای قبل از بعد است در موردی که فتحه پیش از آ، ضمه پیش از و و ک ره پیش از ئی قرار گیرد (مانند: چهار /čāhār, čahār/ سوو /sūs, rus/ و کلید /kīlid, ketid/، که در آنها تلفظ فتحه، ضمه و ک ره به آ /ā/، او /ū/ و ئی /î/ کوتاه تبدیل می‌شود).

۳. منظور از [دبی] واژه‌ای است که در آثار پیشینیان به کار می‌رفته است و امروز کاربرد همگانی ندارد. منظور از [مهور] واژه‌ای است که امروز دیگر در گفتار یا نوشتار به کار نمی‌رود. منظور از [ای] واژه‌ای است که تنها در اثرهای ادبی کاربرد دارد، نه در نوشته‌های معمولی یا در گفتار. منظور از [گفتاری] واژه‌ای است که در گفتگو کاربرد دارد و معمولاً در نوشتار به کار نمی‌رود. واژه‌های مصوب فرهنگستان (اولی، دوم، سوم) به صورت (فرهنگستان) آورده شده است.

۴. مدخل‌های شیمی که در ویراست قبلی زیرمدخل بوده است، به صورت مدخل اصلی و به صورت رایج امروزی آورده شده است، مثلاً به جای اسیدنیتریک نوشته شده است نیتریک اسید.

۵. اعلام در صورتی که چند نام همانند بوده، به صورت مدخل‌های جداگانه آمده است، به این ترتیب: عارضه‌های طبیعی، کشورها (به ترتیب قاره‌ها)، آثار، افراد.

۳. املاي واژه‌ها

در مورد املا و رسم خط، به طور کلی ناهماهنگی و نایکدستی وجود دارد، که بخشی مربوط به الفبای فارسی است، بخشی مربوط به اصول خوشنویسی، ولی بیش‌ها و سلیقه‌های صاحب‌نظران مختلف هم بی‌تأثیر نیست. برای سامان دادن به رسم خط فارسی اینک فرهنگستان رسم خطی پیشنهاد کرده است که تا حدی از ناهماهنگی‌ها می‌کاهد، ولی مشکل رسم خط همچنان باقی می‌ماند.

در دهه‌های اخیر، گونه‌هایی در املاي واژه‌ها به چشم می‌خورد. نهضتی که از چهار دهه پیش برای ایجاد رسم خط معیار آغاز شده، دساورده بی‌نتیجه است. واژه‌های عربی مانند صغری، کبری، انتها، اینک اغلب به صورت صغرا، کبرا و انتها نوشته می‌شود و واژه‌هایی مانند اطاق، طپانچه، اطو به صورت اتاق، تپانچه و اتو درآمده است. گرایش به حذف همزه پایانی در واژه‌هایی مانند املا، انشا و انحناء و تبدیل آنها به «ی» در حالت اضافه، همچنین تمایل به حذف پاره‌ای تنوین‌ها و تشدیدها پدید آمده است.

برخی اهل تحقیق در مورد املاي نام‌هایی همچون عیسا، یحیا و جز آن خرده گرفته‌اند، هم‌چنان‌که زمانی به املاي نفت، اتاق و تهران (به جای نفت، اطاق و طهران) خرده گرفته می‌شد. اما مگر نه این است که باید برای آسان‌تر کردن خط فارسی بکوشیم؟

۴. واژه‌های فارسی که حرف آخرشان کسره است و با «ها» نوشته می‌شوند، در حالت جمع «ها» ی کسره به «گاف» تبدیل می‌شود (مانند پیچه، بچگان، ...).
۵. جمع با «جات» در برخی واژه‌های مختوم به حرف صدادار (مانند طلاجات، عملجات، سبزیجات، ...)
۶. جمع‌های شکسته عربی (مانند کُتُب، مدارس، ...) صاحب‌نظران توصیه می‌کنند از جمع‌های عربی استفاده نشود و واژه‌ها به شیوه فارسی جمع بسته شود. نیز کاربرد برخی جمع‌های عربی در فارسی تغییر کرده است (مانند معاذیر، مشاغل، معایب که برای جمع عُذر، شغل و عیب به کار می‌رود).
۷. جمع نامتداول واژه‌ای رایج به ندرت ذکر شده، ولی آن جمع‌ها به صورت مدخل مستقل آمده است.
- د) شناسنامه دستوری واژه‌ها
- برای هر مدخل پس از آواگاری، سه ارائه جمع، شناسنامه دستوری ذکر شده است، مگر در مورد اعلام؛ یعنی مدخل‌هایی که شناسنامه دستوری ندارند اعلام هستند.
۱. باید توجه داشت گاه ماهیت دستوری یک واژه، مثلاً در حالت جمع یا مفرد فرق می‌کند و به سبب این تفاوت، صفت در جمع به اسم تبدیل می‌شود (مانند این که بگویم او تریاکی است یا تریاکی‌ها را دستگیر کردند، که در اول تریاکی صفت و در دومی اسم است).
 ۲. مصدرها در صورتی که هم لازم بوده‌اند و هم متعدی، به صورت دو مدخل جداگانه آورده شده‌اند.
 ۳. در هر مصدر صرف آن نشان داده شده است (مثلاً در مصدر آمدن به صورت «آمدی، می‌آیی، بیا») جز در مصدرهای مهجور یا قدیمی که تنها صرف‌های دارای کاربرد آنها ذکر شده است.
- ه) چگونگی تعریف‌ها
۱. معنی هر واژه پس از بیان شناسنامه دستوری آن آمده است.
 ۲. اگر واژه به مقوله خاصی تعلق داشته، پیش از تعریف، مقوله آن ذکر شده است: مانند: [مهور]، [دبی]، [گفتاری]، [دبی]، [فیزیک]، [نجوم]، ...؛ همچنین، اگر به بیش از یک مقوله مربوط می‌شده است، هریک از مقوله‌ها با شماره‌ای از دیگری جدا شده است، مانند: واس' / ra's / ها: اسم. ۱. بالاترین نقطه، ... ۲. واحد شمارش ... ۳. / نوی / هندسه] هریک از نقطه‌ها ... ۴. [جنرایی] دماغه ۵. [مهور] سر

مؤلفان خود را مدیون و سپاسگزار مؤلفانی می‌دانند که آثارشان موجب تصحیح و تکمیل فرهنگ شده است، نیز سیاس خود نسبت به افراد زیر ابراز می‌دارند:

خانم نبوشا حکمی از همکاران فرهنگ فارسی و فرهنگنامه کودکان و نوجوانان، سراسر فرهنگ فارسی را خوانده و نکته‌ها را فراوانی را یادآور شده‌اند.

آقای مازیار صدری افشار به خاطر همکاری مستمر در رفع مشکلات فنی رایانه‌ای، خانم فخری طهماسبی برای اعمال غلط‌گیری و صفحه‌آرایی فرهنگ، آقای رسول عسکری، متن اعلام را مطالعه کرده و نکته‌هایی را یادآور شده‌اند. خانم بهناز فتاحی سراسر متن را خوانده و نکته‌هایی را اصلاح کرده است. آقای فرهاد قربان‌زاده فرهنگ‌نویس و از همکاران فرهنگستان زبان و ادب فارسی متن فرهنگ را مطالعه و نکته‌های سودمند را یادآوری کرده‌اند.

مؤلفان به‌ویژه از آقایان داود موسایی و کیخسرو شاپوری در مؤسسه نشر فرهنگ معاصر سپاسگزارند، که همکار همدلانه‌شان در پانزده سال گذشته انتشار این فرهنگ و سایر آثار مؤلفان را میسر ساخته است.